



# الله یار جوانان

نشریه نهاد فرهنگی و اجتماعی جوانان

## الله یار جوانان

فرهنگی و اجتماعی

### ماهنامه

۱

برابر بامی ۲۰۱۳ م

ثور ۱۳۹۲ خورشیدی

شماره هفتم

سال دوم



زمان الدین "حبیبی" دانشجوی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه ننگرهار

## نقش جوانان، انسجام ملی و سهم غور در زمینه

جوانان در مجموع در صورت بسیج ایشان در یک دسته و گونج بعنوان یک نهاد اجتماعی با عضویت یک قشر حساس جامعه، بحیث امید گاه، آرمان خانواده ها، سرمایه، ثروت و نیروی بشری آینده مردم و ملت را تشکیل می دهند.

این جوانان همان نسل سنی هستند که بیشتر ارمان گرا، باغور و روبرو سنی خویش، بیشتر هدفمند، با هیرو دلیر که قرار است از نگاه قانون مندی های رشد و اعتلای اجتماعی، حرکت، مدیریت، رهبری جامعه و ملت را بعهده گیرند.

یک جوان پرانگیزه تر است؛ او است که بیش از همه، هوای مطلوبیت، نشاط و جذابیت را در سر دارد، به تعبیر دیگر؛ جوان خواهان و رهبر دگرگونی های بنیادی ارمان گرایانه است. جوان مرز شکن است و او است که از همه زیاده تر، اهل "خلاقیت" و ایجادگری است و خلاقیت یعنی خط و مرز شکنی در حیطه اندیشه؛ به جلور بردن یک جامعه در حیطه نظر دگرگونی و تحول است و جوانان باید بدانند که امید، توقع و چشم انتظار پدران، مادران، برادران و سایر دوستان در راه خدمت گذاری برای خود ایشان را دارند، آنهم پدران، مادران و برادرانی که در سرما و گرما با لب های تشنه، زبان های خشکیده و اشک های گرسنه پرمشقت ترین کارهای فیزیکی را انجام رسانیده و با انواع، گوناگون دردها و مشکلات، در سخت ترین شرایط همه این سختی ها را صبورانه با تحمل و مردانگی بدوش میکشند، این همه تکالیف و زحمات را برای تهیه خرج و نفقه اولاد و فرزندان بحیث جگر گوشه های خود شان بدوش میکشند. امروز حالت و وضعیت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و درجه مدنیت در سطح جامعه و ملت ما، خیلی زیاد نازل تدریجاً رنجبار و در آوار است. از هر بعد که بنگرید ما در پایین ترین سطح جدول و گراف توسعه و رشد قرار داریم؛ واقعاً یک وضعیت مرگبار، بحران آفرین و طوفانی دامن فرد فرد و خانه خانه ما را فرا گرفته است. اما با وجود این وضعیت پسماندگی، تاکی از بیگانه دشمن توقع دستگیری و نجات را داریم و این هم خردمندانه نیست تا هنوز که آب از سر هم نگذشته است؛ راه و چاره ملی را باید پیدا کرد تا با یک برنامه و پلان اندیشمندانه ملی و با حرکت خردخواهانه آنها مملو و پر از قوت و توان جسمانی و عقلانی بار عایت اصل صمیمیت و برادری، مشکل، موانع و درد آلام را چاره ساخت.

شما همه شاهد هستید که به حصه تک تک مردم این خطه باستانی و به کودک کودکی این سرزمین فراموش شده که همین اکنون بنام ولایت غور مسمی است چه میگذرد. کشمکش های تولواریه، طایفوی، قومی و گروهی مردم رابه پرتگاه هلاکت نزدیک ساخته که وخامت و عواقب خطرناک آن بشکل قریب الوقوع آن قابل درک است، ذهن مرد و زن، پیرو جوان را مختل و مصروف ساخته، حتی تاجانی رسیده است که دروازه های مساجد و مکاتب را بروی یکدیگر بسته ایم. بهرحال، این دیگر بس است، توان تحمل و صبر همه بسر رسیده است، ای مردم غور! زندگی اولاد و فرزندان تان را وقف نیات شوم و شیطانانۀ دیگران نکنید، اگر فکری بحال خویش نمیکنید، از خداوند (ج) بترسید و به فرزندان تان رحم کنید؛ شما اولاد تان تنها برای امروز، فردا، ده سال و بیست سال آتیه زمان زندگی نمیکنید، بلکه پدران و اجداد ما و شما، در این خاک زیستند و دوباره بسوی خدا برگشتند، نسل ما و شما و نسل های بعدی را نیز چنین رسم و آئین اجباراً قانون مندانه الهی است. دنیا دار فنا است، هر لحظه امکان دارد تا مرگ به سراغ مان بیاید، فرصتی برای دشمنی، قدرت محوری، زور مندی و زور آزمائی را نداریم، چی زوداست تا به میدان محاسبه کشانیده شویم و پیش از اینکه خداوند "ج" همراه با چگونگی ایمان مان محاسبه بکند، بهتر است خودمان با خویشتن حساب خود را برجسته کنیم.

ادامه ص 3

عبدالصمد "حبیبی" دانشجوی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه دعوت

## اسلام و اختلاف فرهنگ ها



اسلام عصر حاضر، دشمنان در کمین نشسته دارد که رویارویی با آن در واقعیت تقابل با همان نیرنگ هائی است که این دشمنان بکار میبرند و این دشمنی جای نگرانی ندارد بلکه یک امر منطقی طبیعی است. برخورد حق و باطل، نبرد میان خیر و شر را لاجرم حتمی مینماید این همان روش است که خداوند متعال هستی روی زمین را با آزمونگاه اخروی بر همین بنیاد بنا نهاده است. چنانچه خداوند (ج) در مورد رسالت امت اسلامی میفرماید: "فَاتْلُوهُمْ حَتَّى يَرْدُوكُمْ أَوْ يَدَّبَّكُمُ عَنْ اسطَاعِهِ".

ترجمه: باشما می جنگند تا اینکه برگردانند شمارا از زمین تان اگر بتوانند.

آتش حسرتی که در دل و جانم اثر گذاشته اینست که در میان ضعفی خود و قوت اسلام با در نظر داشت اختلاف فرهنگ ها بحیث حاصلات مرسوم و یافز آورد های مرسوم (ناشی از رسوم متداول و یا رسم و رواج های) آنها میباشد و آنرا در دشمنی و کینه توزی با اسلام قرار داده با لمبه آتش بل شده کینه توزی که از مغزها و سینه های ایشان شعله میکشد و میکروبت دشمنی از پیکر وجود خود ایشان سربلند میکند، آنهم بصورتی که این دسته های اسلام ستیز در یک صف قرار گرفته و برضد اشاعه و بشارت اسلام با این ابزارهای آلوده و ناستره قرار گرفته و میگیرند، توطئه چینی میکنند و جنگ و دعوا میپردازند. اما ما نگران آن هم نیستیم که در برابر و تقابل با اسلام، گرایش ها و شیوه های مورد بهره برداری گروه های متعدد بکدام پیمانۀ وجود داشته و دارند، اما بهر پیمانۀ صغوفی که باشند و یا اینکه هر یکی طبق هرگونه برنامه و روش مخصوص بخود هم در تضاد با اسلام گام هم بردارند بی ثمر عمل میکنند. ادامه ص ۳

نشست دوتن از کارشناسان و نخبه های غور آقایان محترم احمد سعیدی و محترم نثار احمد حبیبی غوری با دانشجویان ولایت غور. ساعت ۱۰ الی ۱ روز جمعه مورخ ۲۴/۲/۱۳۹۲ همدش در هتل هرات واقع شهر کابل صدرالدین "اظهر"

برای چگونگی ایجاد وحدت و همبستگی ملی، رشد و توسعه علمی، ایجاد فضای صلح و آرامش، دیدار و گفتگوی این دوتن روشن اندیشان ولایت غور با دانشجویان این ولایت انجام پذیرفت و در طی این نشست که تقریباً به تعداد بیش از ۱۵۰ تن جوانان و دانشجویان اعم از ذکور و اناث، حضور بهم آورده بودند در جریان سه ساعت تمام، روی مسائلی مختلف از قبیل تشویق چگونگی فراگیری تعلیم، آموزش و تحصیل بهتر، ایجاد همآهنگی و وحدت، میان غوریان، پیدا کردن راه



های حل مشکلات، نجات از عقب ماندگی و بیرون رفت از حالات بحرانی و مرگباری که امروز دامنگیر خانه بخانه، فرد فرد مردمان غور شده است، بحث صورت گرفت و پیرامون موارد یاد شده سوالات و پرسش های زیادی از جانب حاضران طرح که توسط محترم احمد (سعیدی) پاسخ داده و توضیحات در مورد داده شد.

این کاملاً برجسته و مبرهم است که جوانان همیشه و همیشه فکر و خیال رفاه ملی، رشد ترقی علمی و فرهنگی، راه نجات ملت و مردم را از چنگال بدبختی ها را بسر پرورانیده و داشته اند و در این نشست نیز این جوانان دانشجو با محترم سعیدی و حبیبی غوری تبادل افکار و نظر نمودند و بطور کل بسوالات و پرسش های ایشان در محورهای چگونگی تأمین صلح، همبستگی و راه بیرون رفت از این بغرنجی ها و بحران ها پاسخ ارائه داشتند.

در این گردهمایی غوریان آقای "سعیدی" بامهارت و درایت خاصی خویش، باروشن بینی و دانش عالی، به تمام و یکایک سوالات پاسخ گفتند. وی بعد از مناظرات و گفتگوهای همه جانبه، در ارتباط با حالات و شرایط سیاسی کنونی افغانستان، روشنی انداخته، با تحلیلی و توضیح در مورد چگونگی اوضاع داخلی کشور، تبصره روی آینده افغانستان، حالات و شرایط افغانستان و روابط با دو کشور همسایه یعنی ایران و پاکستان را نیز توضیح داده و افزودند که مردم افغانستان نباید از آمدن سال ۲۰۱۴ کدام حراس و تشویشی داشته باشند. قابل یاد آوری است که این گرد همایی غوریان گران و عزیز باثر سعی و تلاشی بیدریغ محترم نثار احمد حبیبی غوری و احمد سعیدی با دادن ضیافت صرف نان چاشت و بتوزیع کتب آثار خود و پدران خویش بگونه تحفه برای حاضران بحیث وسیله انگیزه دهی بخوانش و تحصیل به پایان رسید.



**حق فراگیری تعلیم و تحصیل،باین آزمونِه که "توانبود هرکه دانابود....."**

صدرالدین “اظهر”

فراگیری تعلیم،تحصیل و آموختن از جملهٔ اولین ارشادات الهی است، که به لفظ"اقرأ"به هادی و ناجی بشریت خطاب گردیده است وخالق کاینات این چنین دستور داده است: «اقرأ باسم ربک الذی خلق «و نیزرسول الله "ص" برای حمایت و اثبات حق فراگیری تعلیم چنین میفرماید: «طلب العلم فریضةٌ علی کل مسلم والمسلمة.»

ترجمه: "یعنی آموختن علم بر هر مردوزن مسلمان فرض است". همچنین حکمت و فلسفه خلافت و پیشوائی نوع بشر در روی زمین از جملهٔ فضایل و مزایای فراگیری علم محسوب می شود. و نیزحق فراگیری تعلیم، یکی از مهمترین حقوق برسمیت شناخته شدهٔ توسط قانون اساسی افغانستان و معاهدات بین المللی در جهان امروز میباشد. تمامی مشکلات و ضروریات زندگی انسان در عرصه های مختلف سیاسی، اقتصادی،اجتماعی و ... باکسب علم و دسترسی به تکنالوژی نوی و معاصر میتواند حل گردد. بابلند رفتن میزان سواد و ارتقاء سطح دانش، طرز دید مردم در مورد مسایلی چون حقوق بشر، عدم قابل شدن تبعیض بر علیه زنان ،زندگی برابر، تأمین مساوات،عدالت و امت سالاری "دموکراسی" تغییر پیدامیکند.

در جامعه امروزی افغانستان،ما بامشکلات زیادی،ناشی از پائین بودن سطح دانش و سواد روبرو هستیم، بناءً دولت باید آزادی انتخاب نوع رشتهٔ آموزش و مؤسسهٔ آموزشی را فراهم نماید. در این مورد مادهٔ چهل و سوم قانون اساسی سال 1382 هـ .ش نافذۀ افغانستان،چنین صراحت دارد: "تعلیم حق تمامی اتباع افغانستان است که تا درجهٔ لسانس در مؤسسات تعلیمی(تحصیلی) دولتی بصورت رایگان از طرف دولت،تأمین میگردد. دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرامهای مؤثر را طرح و تطبیق نماید وزمینهٔ تدریس بزبان های مادری را در مناطقیکه بآن ها تکلم میکنند فراهم کند".

اما امروز حکومت و حکومت مردان حاکم،کسب تعلیم را فقط حق کسانی میدانندکه دارای واسطه، سرمایه،قدرت و توان سرمایوی ونیروی نظامی جنگی باشند و سایر طبقات فقیر و عقب مانده از بهرهٔ علم محروم میباشدند.

چنانچه مادهٔ چهل و چهارم قانون اساسی افغانستان در زمینهٔ فراگیری آموزش و سواد چنین می نگارد: "دولت مکلف است بمنظور ایجاد زمينهٔ انکشاف متوازن وانکشاف تعلیم کوچیان وامحای بیسوادی در کشور،پروگرامهای مؤثری را طرح و تطبیق نماید".

اما معنی تأمین حق کسب تعلیم و تربیه آن است که حکومت باید هرگونه مشکلاتی که باعث بروز مانع و سد راه پروسه و روند کسب تعلیم و تحصیل میگردد، از جمله مشکلات امنیتی و غیره را .... بر طرف نماید.همچنین با طرح برنامه های توسعوی " انکشافی" زمینهٔ آموزش بهتر را فراهم نماید. چنانچه مادهٔ چهل و پنجم قانون اساسی نافذۀ افغانستان در این زمینه چنین حاکی است:

"دولت نصاب واحدتعلیمی را بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی طرح و تطبیق میکند ونصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب اسلامی موجود در افغانستان تدوین مینماید".

بناءً از تمامی مردان گردانندهٔ چرخ حکومت،مدیران حکومتی و افراد بلند پایهٔ وزارت جلیلهٔ معارف امید برده میشود تا با مدنظر قرار دادن دلایل و توضیحات بالا، تمامی سعی و تلاش خویش را برای تشویق و تحصیل علم و بلند بردن سطح دانش در کشور به خرج دهند.

اسلام و اختلاف ....

اما در میان خود ما مسلمانان دسته های کمی وجود ندارند که تحت نام اسلام خود را به میدان تظاهر خدمت به اسلام نمایان میسازند و فراخوان های برای تجدید خلافت اسلامی و حاکمیت اسلامی در روی زمین بر اساس تعین و ترتیب ارمان ها ، مشخص نمودن وسایل و مراحل امانتداری و با توانایی اخلاص مآبانه و شایستگی های دعوت گرانه فعالیت مینمایند و چنین اندیشه های ساده لوحانهٔ را در سر میپروراندند تا باشد که با چنین تظاهرات و عوام فریبی ها همه را بسوی خود بکشانند.

این دستگان را نمیتوان به یک جماعت معینی ربط داد ، بطوریکه تمامی آنها تلاشگران راه احقاق اسلام در یک نظام ویژهٔ اسلامی باشند.اما در مقابل فوج فوج دسته های صادق و راستکاری نیز فعالیت دارند که خواهان وحدت و فعالیت در تحت لوای قرآن در ساحات ساحاتی اسلام رهبری واحد همگانی را خواهان بوده و جمع شدن را میطلبند و این آرزوی است دست یافتنی که در مقابل آن موانع نیز بسیار قدبر افراشته و قد خواهد بر افراشت چنین تجمع همگانی که سبب یگانگی و باعث نیرو فزائی مسلمانان میشود ، متأسفانه که تا هنوز وجود عملی ندارد تا باشد که در مقابل مشکلات و خواسته های مشترک ، مسلمانان همچون دیوار پولادین صف با همی را تشکیل دهند و دیگر متأسفانه اینکه این همگانی اندیشیدن در عمل چنین نیست بلکه در هر جایی برز تفرقه و کشت نفاق دانه و خوشه انداخته آتش اختلافات را شعله ور، دشمنی و کینه توزی را برای مسلمانان به ارمغان آورده است. امروز اساس کار دشمنان اسلام برانگیختن اختلاف است نه ایجاد اتفاق و در بین ما مسلمانان کم نیستند اشخاص مغرور، خود پسند ، و خود جلوهٔ که نفاق ساز نباشند و این دسته اشخاص اکثرآ دیگران را متهم به کوتاهی خدمت و دفاع از اسلام میکنند. بنابراین حرکت دینی و بیداری اسلام رفع اختلافات ناشی از فرهنگ های دنیوی با توجه به اوضاع و روش های مختلف ، نیاز مند فهم عمیق از اسلام است و ما امیدوار هستیم که چنین شهکاری های در آینده صورتی احقاق عملی و کاربردی بگیرد.

آنچیکه قابل یادآوری است این است که جوانان الله یار باعث ایجاد این انگیزه شده اند تا من و دیگران آنچی را که در درون قفسهٔ فکرو مشبک سینهٔ خود داریم با آماده ساختن بگونهٔ بیان نبشته شده در آوریم و این برای ما غوریان یکی از زمینه های عیار شدهٔ الگو مانند است که باید از همین طریق و از طرق سازندهٔ دیگری فکر و اندیشهٔ خود را از بالقوه به بالفعل آنهم روی منظور و روشنگری بکار بست.

تپ و تلاش های نهاد جوانان الله یار قابل قدر و گران ارزش است بار دیگر از این جوانان فرهنگرای الله یار اظهار سپاس میدارم و دیگران را نیز چنین سپاسگزاری و همیاری خواهم کرد ، اگر چنین کارهای سازندهٔ را در جهت شتاب دادن اعتلاء و ترقی پیشه سازند.

به ادامه بحث قبلی ...

محیط زیست

محمود ”بی پروا“استاد سابق دانشکدهٔ زراعت دانشگاه کابل

## هوا

هوا، عامل بسیار مهم دیگری از جملهٔ عوامل غیر زندهٔ محیط زیست میباشد. گرچه هر سه عامل غیر زنده(یعنی خاک، آب و هوا) لازم و ملزوم یکدیگر اند و بدون موجودیت یکی از اینها، هیچ یکی از اجزای دیگر، کدام تأثیری از خود بجا نمی گذارند و اما زندگی بدون موجودیت این سه عامل ناممکن میباشد، ولی در میان این سه عامل، هواتأثیرات خیلی سریعی در ادامهٔ حیات را داراست. بدین معنی که در صورت عدم موجودیت هوا، حیات یک زنده جان،بیش از چند دقیقهٔ محدود، ادامه یافته نمیتواند. از اینرو میتوان گفت که هیچ زنده جانی، بدون موجودیت هوا، قادر به زیستن نمیشد( البته به استثنای بعضی از بکتریای غیر هوازی که آنها هوای مورد تنفس خود را از تخمر مواد دیگری آبی و استفاده از آکسیجن آنها بدست می آورند).

هوا مخلوطی از گازات است که بصورت یک طبقه و یا لایه با ضخامت 40 الی 100 کیلومتری، به دور اور زمین احاطه دارد. مهمترین این گازات نایتروجن و آکسیجن هستند که حدود 99% هوا را تشکیل میدهند. در اینجا منظور از هوا آکسیجن میباشد، بخاطریکه آکسیجن وسیلهٔ تنفس و احتراق مواد عضوی گردیده و در نتیجه انرژی تولید میگردد که فعالیت های حیاتی با همین انرژی پیشبرده میشود.

آکسیجن مورد نیاز تنفس زنده جان ها در روند غذا سازی از طریق گیاهان تولید میشود. در صورتیکه گیاهان نابود شوند، این روند نیز سیر نزولی خود را طی نموده و مشکل حل ناشدنی در زندگی انسان ها، این اشرف مخلوقات را بمیان میآورد، زیرا برای انسانها، غیر از طریق کارخانهٔ غذاسازی، دیگر راهی برای استحصال آکسیجن وجود ندارد. از اینجاست که جفا در حق گیاهان و نابود سازی آنها، ستمی است بخود انسان، انسانی که اضرار حرص و فزون طلبی های نفسانی و جاه طلبی اش باالآخره بخودش بر میگردد.

باید گفت که در سیارات دیگر، نیز خاک وجود دارد، ولی از اینکه دو عامل دیگر یعنی آب و هوادر آن جاها وجود ندارند، حیات در آنها ممکن نیست یعنی موجود زندهٔ در دیگر سیارات تا هنوز یافت نشده است.

چون هوا مثل آب و خاک جزء زندگی و وسیلهٔ ادامهٔ آن میباشد، بناءً باید از آلودگی آن محافظت گردد. امروز تمامی فعالیت های انسانها، موجب آلودگی هوا گردیده و میگردد از جمله، گازاتی را از قبیل کاربن دای اکساید، متان، کلوروفلورو کاربن ها ، سلفر دای اکساید و اکساید های نایتروجن دار در هوا اضافه نموده اند که نتیجه اش جز زیان بحیات انسان و دیگر موجودات زنده ، چیز دیگری نمی باشد.

گاز کاربن دای اکساید که در اثر افزایش تعداد جمعیت، توسعهٔ شهرها، افزایش تعداد موترهای استهلاکی، توسعهٔ صنعت، استفاده از دستگاه ها و سیستم های نامناسب صنعتی، قطع جنگلات و نابودی چراگاه ها، هر لحظه و هر زمان، روبا فزایش میباشد، هوای مورد نیاز تنفس زنده جان هارا، آلوده ساخته و زمینهٔ حیات را تنگ و محدود میگردد. در اثر یک بررسی، سالانه 6.5 ملیارد تن کاربن دای اکساید، در اثر سوختاندن تیل و ذغال سنگ و 1.5 ملیارد تن در نتیجهٔ تخریب جنگلات، وارد لایهٔ هوا میشوند. چون 55% اثرات سوء گازات گلخانه ها و سبزی خانه ها( پوشش پلاستیکی که مانع خروج گرما از اطراف زمین میگردد) و تخریب لایهٔ اوزن را کاربن دای اکساید، 24% فیصد کلورو فلورو کاربن ها(CFC) ، 15 % گاز میتان و 6% اکساید های نایتروجن، بوجود میآورند پس بخوبی دیده میشود که سهم کاربن دای اکساید در از دیدارگرمای زمین و تخریب لایه اوزن چشمگیر میباشد.

اینها همه در اثر کارکردها و فعالیت های انسانها، عرض وجود نموده و وارد هوا و یا اتموسفیر میشوند که بطور خلاص دو حالت خطرناک را روی زندگی و وضع اتموسفیر زمین بوجود میآورند. یکی اثرات سوء دیگری گازات سبزی خانه ها و گلخانه ها تخریب لایهٔ اوزن است. اثرات سوء گازات گلخانه هاوسبزی خانه ها بلند رفتن درجهٔ گرمای زمین است که در نتیجه، قسمت زیادی از یخ های قطبی ذوب گردیده و ساحات زیادی از زمین را زیر آب فرو برده و در نتیجه ساحهٔ تولید را کم میسازد. تخریب و نازک گردیدن طبقهٔ اوزن سبب بحیث عامل جلوگیری کنندهٔ اشعهٔ ماورای بنفش آفتاب و مانع رسیدن به زمین ضعیف گردیده، و این اشعه باسانی وارد سطح زمین شده و در نهایت زندگی انسان به خطر روبرو میشود و هم این اشعه باعث بروز سرطان پوست، بیماریهای در چشم ، تضعیف دستگاه دفاعی بدن، کاهش محصولات زراعتی و کاهش در تعداد آبی ها میگردد. از طرف دیگر کارخانه های صنعتی و نیروگاه های که از سوخت فسیلی( تیل، پترول و دیزل) کار میگیرند، علاوه بر تولید زیاد گاز کاربن دای اکساید، باعث تولید دود، گردوغبار و گازهای دیگری مانند CO (کاربن مونوکساید) ، سلفر دای اکساید(SO۲) ، اکساید های ازوت( NO ، NO۲ , NO۳) و سایر گازهای موجود در هوا، میشوند که اینها همه، روی سلامتی انسانها، تأثیر بد دارند. علاوهٔ ماشین ها و کارخانه های پטרولی، سبب انتشار ذرات سرب در هوا میگردد. سرب فلز بسیار سمی میباشد که خاصتاً در کودکان عوارض خطرناکی، از قبیل پائین آمدن ضریب هوش، مشکلات در گفتار و رفتار آنان را بمیان میآورد.

در این جا تأکید روی این اصل است که چون گیاهان باعث تولید، از دیداد و پاکی هوا( آکسیجن) میشوند، انسانها نه تنها باید گیاهان را نابود نسازند بلکه پیوسته از طریق قرق، غرس درختان و توسعهٔ ساحات سرسبز، بحد نهائی کوشش نمایند تا در صف کاروان سرسبز سازی، همه و قته همراه باشند تا باشد که به ادامهٔ زندگی عادی، برای تمامی موجودات حیه، کمک نموده و همکار شوند.

## رفتار ما در قبال احکام قرآن

دردنیای بشر هدایت شده، هر انسان در تلاش یافتن راه راست است واین راه راست را کسی به انسان نشان داده می تواند که آفریدگار اوست بهمین منظور الله (ج) همواره ذریعهٔ پیامبران و کتابهای آسمانی،این راه راست ورستگاری را به انسان ها نمایانده است. امروزمسلمانان از نگاه معنوی سعادتمندترین انسان های روی زمین اند بدلیل اینکه کلام الهی به همان شکلی که به پیامبر گران وگرامی اسلام (ص): نازل شده است،بدون کدام تصرف دستبردی،باخوددارند. اما ازسوی دیگر، همین مسلمانان، همان مردمان بدبختی اند که باوجود داشتن این کتاب هدایت کننده،ازبرکات نعمات وفیوضات بیکران آن بی بهره اند. خداوند کریم قرآن با حکمت را فرستاد تا انسان آن رابخواند،بداند وبآن عمل نماید ودرروی زمین قانون الله (ج) را نافذ گرداند.این کتاب نازل آمد تابانسان عزت وشرف بدهد واورا شانیستهٔ خلافت پروردگاردرو روی زمین بگرداند. تاریخ گواه است که هر کسی بررهنمودهای قرآن حکیم عمل نموده است، الله متعال برا یش رهبری درمقام امامت روی زمین را اعطاء کرده است.اما متأسفانه امروز درجامع اسلامی، عمل کردن به قرآن کریم کم شده است، بجای عمل کردن به هدایات پر محتوای آن درزندگی، فقط به خاطر ترسانیدن جنیات درمنازل، نگهداری می شود ویاهم با نوشتن آیاتی ازآن ویستن آن دربازو بگونهٔ تعویذ ازآن استفاده بعمل می آید وبیا اینکه بدون درک وفهم معنی آن،فقط تلاوت میشود ودرد آورتراینکه حالا مسلمانان درحوادث ومعاملات زندگی ایشان، از رهنمودهای قرآن استفاده نمیکنند وازاین کتاب الهی نمی پرسند که عقیده وباورمان چگونه باید باشد؟ رفتار وکردار ماچگونه تنظیم گردد؟ چطور زندگی کنیم؟ دردوستی ها ودشمنی ها تابع کدام قانون باشیم؟ بندگان الله (ج) ونفس های مابالای ما چه حقی دارند واین حقوق را چگونه اداء نمائیم؟ ازآن ” یعنی ازقرآن“ نمی پرسند که باطل چیست وحق کدام است؟ ازکی فرمانبرداری وبپیروی نمایند وکی را اطاعت کنند؟دوست ما کیست ودشمن ما کدام است؟ پیروزی ومنفعت ما در چه چیزی بوده ذلت ،بدبختی، زیان وخسران مادر چیست؟. امروز مسلمانان در رابطه بااین مسائل به پیام قرآن حکیم رجوع نمیکنند، بلکه پاسخ این پرسش ها را دردروازه های اغیار جستجو نموده ومینمایند. فلاسفه،روان شناسان، وقانون گذاران غربی وغیر مسلمان را، الگو وسرمشق خویش قرارداده،کافران، مشرکان وگمراهان را درزمینه های گوناگون، شانیسته تردانسته ورهنمودهای آنان را معیار وملاک عمل خویش قرارداده وسرمشق خویش قرار میدهند. باید دانست، هرکسیکه آفریدگار وپروردگار حقیقی خویش را فراموش کرد وبفرمان دیگران سرتسلیم فرود آورد، سزای آنرا خواهد چشید که نمونه اش حالت امروزی ما مسلمانان است که درهرکجای جهان زندگی پرازذلت ومشقت داریم. برخورداردی راکه مسلمانان با این کتاب مقدس می کنند، چنان تعجب آوراست که اگرکسی دریک معاملهٔ دنیوی چنین عملی رانجام دهد، بدون تردید،مورد تمسخر ونیشخند همگان قرار گرفته وحتى مهرسبک مغزی ودیوانگی بروی زده میشود. بطورمثال شخصی جهت معالجه نزد طبیب رفته، طبیب باتشخیص بیماری وناجوری، بوی نسخهٔ می نویسد، بیمار بجای اینکه دواهای نوشته شده درنسخه راخریداری نماید، نسخه رابگونهٔ تعویذ به گردنش میکند وبیا هم نسخه را درآب حل نموده، نوش جان میکند. نظرشما درمورد چنین اشخاص که ازخداوقرآن بی خبر اند ونسخهٔ داکتررا بجای تعویذ حاوی ازآیات قرآن بگردن خویش می آویزند چیست؟ درحالیکه حکیم مطلق الله (ج) نسخهٔ شفا بخش روح وروان (قرآن) را فرستاد است که پیش چشمان تان شب وروز با این نسخهٔ الهی چنین برخورد می شود واما کسی ملتفت نیست وهم هیچ کسی نمی اندیشد که این نسخهٔ داکتر برای بستن به بازوودرنهایت حل کردن آن درآب نبوده، بلکه برای صلاح وفلاح بشریت فرستاده شده است تامطابق آن دردنیا زندگی کنند ودرآخرت نیز کامگارگردند. اگر کسی ناجوروبیمار باشد، کتاب طب را بردارد وبخواندن آن آغازنموده وچنین فکرکند که فقط خواندن این کتاب،برای رفع مرض وتداوی وی کافی است، آنگاه نظرشما چه خواهد بود وشما درمورد آن چه قضاوتی خواهید کرد؟. درست همین طور، برخوردار اکثرمسلمانان کنونی چنین است که فقط تلاوت این کتاب بزرگ راوسیلهٔ رفع همه رنج ها ومشکلات خودمیدانند، ولی گاهی هم این نیازراحساس نکردند که مفاهیم آنرا درک نموده وبدستورات اش عمل نمایندوازمنییات آن دوری گزینند، پس چراخودرا با آن شخصی که طب را صرف مطالعه می نماید وهمین را شفا بخش می داند، مقایسه نمی کنید؟.

نکاح سنت رسول الله (ص) وعمل نیکی است. اما امروز مسلمانی را می بینید که مراسم عروسی خودرا بامرتکب شدن ده ها گناه بزرگ بانجام رسانیده، ملبس درلباسی است که اصلاً بزن مسلمان نمیزبید وعروس را پیش روی صدها چشم نامحرم از زیرقرآن میگذرانند وتوگوئی که این مسلمان با زبان حال میگوید: (ای الله ! حلال وحرام توبرایم ارزشی ندارد. خودم طرز زندگی ام را خوب میدانم وتوقفط بروی همین قرآن این زندگی آلوده ومملوبگناه راخراب مکن).

مسلمانان عزیز! این را بدانید که کلام الله مجید برای این نیامده است که انسان را به بدبختی،گرفتاری بدروغم دچارسازد،بلکه درعوض، خداوند(ج) درکلام پاک خود چنین فرموده است: ( ما قرآن را بر تو نازل نکردیم، تا به رنج افتی) “ طه۲”

این کتاب سماوی سرچشمهٔ هدایات برای خوبی ها،تأمین سعادت ونیک بختی است ومحال است تا اینکه پیروان واقعی آن،دردنیا دچارذلت وبدبختی شوند.

### اهم اخبار، رویدادها و اقدامات طی ماه گذشتهٔ ثور در ولایت غور

1- سنگ تهداب دو بنای بزرگ عصری از سوی شاروالی به مقصد اعمار تشناب‌های عصری وکتاره‌های فلزی برای حفاظت اشجار زینتی خیابان شهری، شهرچغچران، بارزش 5 ملیون افغانی از کمک های اهداء شدهٔ کشور جاپان به بودجه شاروالی، گذاشته شد.

2- همچنین بر اثر تلاش های وکلای نمایندهٔ مردم درشوری ملی (یعنی پارلمان) کشور؛ ومتصدیان امور ریاست معارف ولایت غور، 130تن از دانش آموزان دارالعلوم ابوحنیفه، شامل لیلیه گردیده اند، که بخش بزرگ ازدانش آموزان این مدرسه ازمشکل اعاشه واباته رهائی یافتندوبدین ترتیب زمینهٔ آموزش برای این دانش آموزان سهل گردید. درهمین روال بابتکار مدیریت محبس ولایت غور، تعداد یازده تن از محبوسان این ولایت،که به کورسهای حفظ قرآن کریم معرفی وتنتظیم شده بودند،بعد از حفظ قرآن کریم دستارفضیلت را برسر نهادند.

3- بنا بر لزوم دید وزارت داخله کشور، سمونیار نورعلی بحیث مدیر مبارزه با جرایم جنایی قوماندانی امنیهٔ ولایت غور، تعیین ورسمأً به کاراش آغاز نمود. طبق یک خبر دیگر، 110 تن از سربازان جدیدالشمول، بعد از فراغت از کورس آموزشی مسلکی پولیس ملی، شامل صفوف پولیس غور گردیدند.

4- دور دوم بهاری کمپاین واکسین پولیو در ولایت غور، آغازگردید ودرهمین روال طبق گزارشات واصله، درسال قبل، یک مورد از بروزمرض پولیو، در اولسوالی لعل وسرجنگل، گزارش ومشاهده شده بود. طبق یک خبر دیگر از یکسال بدین سو شفاخانه ولایتی غور فاقد هرگونه ادویه ویدل مواد عادی غرض کمک های اولیه میباشد.

5- اتحادیهٔ ملی کارگران افغانستان، دفتر ولایتی اش را در ولایت غور افتتاح کرد. این اقدام در حال صورت میگیرد که 126 سال قبل درایالات متحدهٔ امریکا، کارگران آن کشور، بخاطر حصول واعادهٔ حقوق ایشان، دست به یک اقدام بیسابقهٔ زند و درنهایت انجمن کارگران را بنا نهادند. امامدراغانستان درسال 1343 هـ. ش، اینگونه نهادی تحت نام اتحادیهٔ کارگران افغانستان، ایجاد گردید.

6- ده ها میل سلاح سبک و سنگین، از نزد افراد مسلح غیر متعلق به گروهپ های نامنظم وباندهای مسلح، درمنطقهٔ سیاه چوپ اولسوالی دولینه، قبض وجمع آوری گردید، این در حالی بوقوع مبییوندد که یگانه مشکل امنیتی درولایت غوررا، وجود افراد مسلح وباندهای مسلح ضدحکومت، تشکیل میدهد. طبق یک خبردیگر، 200 تن ازافرادآموزش دیدهٔ پولیس مخصوص ولایات وارگانههای محلی آنهم منظورشدهٔ وزارت محترم داخلهٔ کشور، دراولسوالی های دولینه و پسابند ولایت غور، برای ایفای وظیفهٔ تأمین امنیت بیشتردراین محلات گماشته شدند.

7- حزب ملی اسلامی افغانستان، طی برگزاری یک محفل بزرگ، نمایندگی اش را در مرکزولایت غور، رسمأً ایجادوگشایش نمود،این اقدام هنگام رویدست گرفته شده است که حزب ملی اسلامی افغانستان ازسال 1357 هـ. ش بدین سو، تحت رهبری دسیر سیداحمد"گیلانی" در افغانستان فعالیت مینماید.

8- دفترمقام والی ولایت غور، بارزش سه صدوپنجاه هزار افغانی را از بودیجه اختصاصی زیرنام "اجرات والیان" یک مقدار وسایل الکترونیکی ومورداستفاده درامور دفتر داری را، برای نهادهای مدنی ولایت غور مساعدت نمود.

9- طبق یک خبر دیگر هیأت ریاست تفتیش وزارت مالیهٔ کشور، بعد از دیدار تعارفی با سیدانور "رحتمی" والی ولایت غور، از ادارات زیربط دربخش مالی این ادارات بازرسی بعمل آوردند.

10- سنگ های تهداب مکاتب دهکده های بهاری، زیرنام اتحادیهٔ نسوان کندیوال"کهندیوال" و متوسطهٔ دهکدهٔ کاسی، به هزینهٔ بیشتر از 28 ملیون افغانی طی یک محفل گذاشت سنگ بنا، باحضوریبانی رئیس شورای ولایتی ومتصدیان ریاست معارف ولایت غور، به زمین گذاشته شد. گفتنی است که مکاتب مذکور، از پول کمک شدهٔ حکومت کشور جاپان وسازمان یونیسف (سازمان بین المللی کمک باطفال زیرنام صندوق بین المللی اطفال مربوط به مجمع عمومی سازمان ملل متحد) قرار است بناساخته شده وتا یک سال آینده، به بهره برداری سپرده شود.

11- سه تن از جوانان ورزشکار ولایت غور، در رشته ورزشی "پاورلفتنگ" مقام طلایی را از آن خودساختند. این سه ورزشکار،هریک فریداحمد "فردوس" غلام علی "انوری" و جان محمدخان، بعد از اشتراک در مسابقهٔ زیبایی اندام و وزنه برداری که اخیراً در پایتخت افغانستان برگزار گردیده بود،برندهٔ مدال طلا و اخذ تقدیر نامه ها گردیدند. این در حالی است که جوانان ورزشکار ولایت غور، بعد از اشتراک در مسابقات،همواره افتخاراتی را برای مردم خویش هدیه بارمغان آورده اند.

12- سنگ تهداب شفاخانهٔ ولایتی غور، بارزش چهارملیون دالرامریکائی،توسط محترمه ثریاد "ایل"، وزیر صحت عامهٔ کشور وباحضوریبانی خانم ها سیما "جوینده" ورقیه "نایل" وکلای محترم مردم ولایت غور، درمجلس نمایندگان،باشتراک سیدانور "رحتمی" والی ولایت غور وبا حضور رؤسای ادارات مختلفه محل،در صحن شفاخانهٔ ولایتی ولایت غور، گذاشته شد. گفتنی است که این بنا در سه طبقه اعمار میگرددو قرار است تا یک سال دیگر به پایهٔ اكمال وبهیره برداری برسد.

13- طی برگزاری یک محفل باشکوه، 320 تن از جوانان ولایت غور، شامل کورسهای فراگیری "آموزش های حرفوی" در بخش های کمپیوتر، خیاطی، ترمیم مبایل، نجاری و قالین بافی شدند. گفتنی است این پروژه به ارزش هفت ملیون افغانی از طرف وزارت محترم کاراموراجتماعی، شهداء ومعلولین تدویروتمویل میگردد.

#### نقش جوانان ...

جوانان همزاد عزیز! آینده از شمااست، باهم بسیج ویکپارچه شوید، تصمیم بگیرید تاسرنوشت مردم تان وآیندهٔ خویش را درجهت مثبت تغییردهید، زیرااین یک قانونمدی الهی است بنام تغییر، تاباشد که انسانها خودایشان به نفس خود تغییر بیاورند واگرنیاورند خداوند (ج) هرگز تغییری بشکل خودبخودی بوجود نمیآورد، وان قانونمدی دراینجاست که خداوند متعال میفرماید: “ان الله لایغیرما بقوم حتی یغیرو ما بأنفسهم”

ترجمه: "بیبگمان خداوند(ج) آنچه راکه قومی دارند، دیگرگون نمیکند".
خدا یا ! چرا ؟؟؟... آیاتغییرتوسط خداوند (ج) ناممکن است!... بلی ممکن است، اما حکمت این آیهٔ مبارکه دراین نکته است که .....“حتی یغیّر ما بأ نفسهم” “مگرآنکه آنچه را دردل هایشان دارند، دگرگون کنند".
مسلمأً هرآنچه را انسان بخواهد، خداوندتوفیق انجام ونیل آنرا میدهد، زیرا دلیل دراین زمینه وجود دارد که قول پیامبر بزرگواراسلام آنرا مبرهن ساخته است وان اینکه “العبد یذّبر وَالله یَقدر”

ترجمه: "یعنی آنچه را بنده تدبیر میکند خداوند (ج) آنرا تقدیر میکند".

اندیشه وفکریک جوان همواره تحت تأثیرعوامل درونی وبیرونی است که، هرلحظه بشکلی توجه اورا بخود جلب کرده، سیرافکار واندیشه هایش رابسوی خود میکشاند. کشش جوان، بسوی کارها، فعالیت ها، رویدادها، افراد، انجمن ها ومحافل پیرامونش، حاکی ازقوت زانوعمرجوانی و نیازمندی های جسمانی وروانی اواست، ودریک سخن خلاصه، جوانان میتوانند تا با روحیهٔ یکدگرگون خواهی انقلاب مآبانهٔ صلح آمیز درتمامی گستره ها، تغییربیاورند. بنأ بطورشفاف تر باید بگویم که پیام من به کافهٔ فرزندان، جوانان، روشنگران افکارروشن شد گان دانشجویمان ودانش آموزان این است تااینکه درجهت تحقق این فراخوان: " بیایید همه باهم درفضای صمیمیت، برادری وبرابری درتحت رهبری "یک شوری متحد شده ووحدت جوانان غور" را مطابق فرمان الهی که میفرمایند: ” وَامرهُم شوری بینهم“ بسیج بسوی انجام کاروفعالیت انسانی سازنده وایجادگرانه نمائیم والبتّه فقط همین جوانان میتوانند رهبریت ومدیریت جامعه وملت را بعهده بگیرند، ملت ومردم خودرا ازبحران ها ومشکلات نجات دهند.

هدف از مفکوره ایجاد شوری، همانا وحدت جوانان این است تا اینکه ما بتوانیم آنهم دوراز همه تعصبات وتضادهای بین البینی سمتی وطایفوی، قومی وقبیلوی، یک فضای سالم تفاهم ملی ومردمی رابیادنمائیم، تا باشد که رمینهٔ اجرای عدالت، سپردن کار به اهل کارفرمان برداری از هدایات ودستورات الهی باین نص: ” وَاعتصمُوبحبلِ الله ....“ مقام خلافت اعطاء شده ازجانب پروردگاررابرای انسان، بطور درست بانجام برسانیم.

درپایان این سخننامه ازکافهٔ جوانان وروشنفکران امیدوارم تااین پیام را قبول ولبیک عنایت فرموده، برای ایجاد این چنین شوری ای که انشاءالله یک گام مثبت وخوب اندیشانه میباشد، مارت یاری کنند.



- سردبیر: محب الله "منش"
  - معاون سردبیر: زمان "رفعت"
  - ویراستار: درويزه "شفيق"
  - تحت نظر هئيت تحرير
- ماهانامه . از مطالب و مقالات ارسالى شما استقبال مينمايد.  
 ماهانامه . در رد، پذيرش ، ويرايش و تلخيص مطالب، دست آزادارد.  
 ماهانامه . مسئوليت هاى ناشى از تخطى هارا بعهده نگارشگران ونويسندگان مطالب و مقالات ميداند.

آدرس برقى : Email: Mohib.manish@gmail.com Mobile No:0796148879

سال دوم

شماره هفتم

ثور ۱۳۹۲ خورشیدی

برابر با می ۲۰۱۳ م

۴

محمد حکیم "ساعی" محصل سال چهارم دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه کابل

### توسعه "ویابه اصطلاح متعارف انکشاف" متوازن... شعار قانونی در افغانستان و در این میان غورویاسرزمین فراموشی شده ها...



خانه ها هنوز هم با چراغ هاس اریکین و چراغ موشک ها " یعنی شیطان چراغ ها" که از بقایای زندگی بدوی در قرن بیست و یکم است، سهل انگاری و اجهاف حکومت ظلم پیشه را به نمایش میگذارند. مریض و بیمار نسبت عدم توجه به شفاخانه ها و نبود تجهیزات لازم و وادویه نیاز به انتقال به پایتخت دارد که در هنگام نقل و انتقال در مسیر راه جان میدهد.

کارایی بخاطر پیدا کردن لقمه نانی، کارگر را راهی مهاجرت به کشورهای همسایه می سازد و سرانجام این ضرورت مرگ و زندگی کارگران این ولایت را بسوی سوق میدهد تا در مرزهای کشورهای همسایه کشته شوند و یا هم اگر بختاوری باشند و به کشور همسایه برسند و چند صباحی کار نمایند، معتاد گردیده و دست خالی و سر خورده بر می گردند.

آنچیکه در غور به عنوان دستاورد های حکومت جدید شروع از سال 1380 هـ ش میتوان یافت، خلاصه میشود به وعده های مکرر در نتیجه سفرهای مقامات حکومتی دولت و دیدارهای مستقیم خود آقای کرزی بگونه وعده های احداث سرک ها، اعمار بند های برق و رفع ده ها نیاز دیگر که تا حال فقط به حد گفته و وعده های فریبنده باقی مانده است.

البته نمی توان از کار های اندکی که صورت گرفته است، چشم پوشی کرد، ولی در یک ارزیابی کلی، وقتی غور را به عنوان یک ولایت، با دیگر ولایات افغانستان در تطبیق و مقایسه قرار میدهم، در میابیم که مردم غور نه تنها اینکه مشکلات ایشان حل و در ایشان درمان نشده است، بلکه هر روز با افزون شدن نیاز های اجتماعی و در مقابل نبود امکانات زندگی امروزی، وضعیت روحی و روانی این مردم آسیب پذیر تر از گذشته شده و میشود. شاید یکی از دلایل حکومت آقای کرزی موجودیت نا امنی باشد که این مشکل نه تنها در غور بلکه در خیلی از نقاط کشور به حد بیشتر از غور بمشاهده میرسد. در اینجا اگر بخواهیم تایید ارزیابی سرسری هم بین ولایت غور و ولایات نسبتاً نا امن جنوبی، داشته باشیم معیار و درجه ساخت و ساز و بازسازی اصلاً قابل مقایسه نیست. به باور من، بی ارزش ترین چیز در افغانستان نزد حکومت بیان نظریه کمک آزادی بیان بشکل نوشتن و مصاحبه است که همه درج صفحات و کست ها میشود و دولت مردان، کدام گواهی برای شنیدن بازتاب بی عدالتی های خود ندارند. من نمی خواهم بگویم که راه اساسی حل چیست؟ و با کدام راه کار ها، میتوان به رفع و زدودن این مشکلات فایق آمد. آنچه مسلم است این است که ما برای حق طلبی عادلانه، باید به پا خیزیم و بر اساس همان مقوله حقوقی که می گویند: "حق داده نمیشود بلکه گرفته می شود" از حقوق خود دفاع کنیم و برای رسیدن به حقوق مشروع خود، از راه های قانونی متحدانه و همدست اقدام نماییم.

دوازده سال گذشت و هنوز انتظار و چشم براهی برای رسیدن و دادن حقوق مشروع شهروندی ما به پایان نرسیده است. این انتظار مستعمر خواهد ماند، آنهم تا وقتی که ما راه رسیدن به حقوق خود را نه پیماییم، هیچ کسی این مسیر را برای سعادت ما طی نخواهد کرد.

دو سال تمام از دوره حکومت مؤقت و ده سال کامل از دوره حکومت آقای کرزی می گذرد، و این دوازده سالی که از لحاظ امکانات اقتصادی بحیث دوره طلایی سرازیر شدن سرمایه در تاریخ افغانستان بحساب میرود، و رود بیش از میلیارد ها دالر امریکایی جهت ساختارهای زیربنایی و کمک بیش از چندین کشور جهان، در طی سالهای گذشته، فرصتی بود برای ساختن یک کشور جنگ زده و زخم خورده، آنها هم کشوری که از ورق ورق تاریخش خون می چکد و وجب و وجب خاکش نیاز به درمان دارد. دوازده سال گذشت، عده از زخم هادر بعضی محلات و گوشه های کشور مداوا شد و اما بر تعداد دیگری، خاک پاشیده شد تا مبادا عفونی شود. متن قانون اساسی افغانستان، به نظر من در این رابطه یکی از شعار هائی است که تسجیل قانونی بشکل ذیل یافته است:

"دولت برای ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی، بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت از حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تامین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام، قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور، مکلف می باشد".

آنچه من بعد از این در این نوشته بآن اشاره خواهم کرد، بحث توسعه و رشد متوازن است که یکی از حقوق رسمی قانونی برای هر شهروندی است. همانطوریکه شهروندان در پیروی از احکام قانون در همه نقاط کشور مکلفیت یکسان دارند، برعکس، دولت هم مکلف است تا برای رشد و توسعه زندگی مردم سعی و تلاش یکسان کند.

اما این مکلفیت در ولایت غور یک طرفه است، یعنی آنچه مربوط بحکومت می شود آن است که یا انجام این مکلفیت فراموش حکومت شده است و یا اینکه سهمیه غور بحیث یک ولایت به جیب کسانی ریخته شده است که من نمی توانم مدرکی در مورد آن ارایه کنم. اما نبود سرک، برق، شفاخانه مجهز و ده ها مشکل دیگر که از یک طرف در توان شهروندان غرض حل و فصل و فراهم ساختن سهولت های زندگی شهروندی نیست و از طرف دیگر زمینه فراهم ساختن کار، برای بیکاران که خود یک معضله بزرگ اجتماعی و اقتصادی در افغانستان است، محرومیت هائی است که مردم غور تا هنوز که هنوز است با آنها دست و پنجه نرم می کنند.

آنچیکه نصیب سایر ولایات شده است همانا قیرریزی راه های ترانسپورتی زمینی بین ولایت ها و شهر های بزرگ افغانستان انتظاری بود که باید چند سال پیش انجام میشد، که تا حدودی هم انجام شده است ولی بد بختانه نه تنها اینکه تا هنوز مردم غور سفرهای شان را از مرکز ولایت غور تا کابل به مدت دوشبانه روز از طریق سرک خامه آنها با مشکلات ترانسپورتی زیادی به سر میسرسانند و با این مشکل دست اندر گریبان هستند. مشکل دیگر عدم بهره برداری از آب رود جلگه "هریرود" که هر آن لحظه، صدای شرشر اش گوش شهروندان غور را کرمی سازد مطرح است و فقط از مفادش دیگران در سایر ولایات حتی در خارج از قلمرو مرزهای افغانستان، مفادش دیگران بهره میشوند و اما دشت ها و زمین های قابل برزوبرزگری این ولایت از تشنگی بیدادگانه اند.

## حکایاتی از افسانه های فسونگری شیطان

### حکایت اول

هنگامی که خداوندگار (ج) جسم مبارک آدم (ع) را آفرید تمام فرشته ها یک سیما و چهره نوری از مخلوق های خداوندگار عالم رانیده، حیران شدند و در گام نخست به خوشروئی، چهره نغزویی حضرت آدم (ع) هک و یک مانده و در نتیجه نهایی بسیار خوشحال شدند. اما در آن هنگام که شیطان، حضرت آدم (ع) را دید، از حضوری خداوند (ج) پرسید که: پروردگار! این موجود را چرا موجودیت پیدایش دادید و سپس شیطان خطاب به فرشتگان گفت که اگر خداوندگار عالم، این موجود را از مادرجه و مرتبت بلند تری داد، باز چی میکنید؟! فرشته ها در پاسخ گفتند که بحکم خداوند (ج) تن در میدهند و از این آفرینش الله تعالی راضی اند. شیطان خاموشی اختیار کرده و با خود دردل خود گفت: بخداوند سوگند، اگر خداوند (ج) این آدم را از ما بلند تر درجه بدهد، من هرگز، حکم خداوند (ج) را قبول نمیکنم و آنرا ( یعنی حضرت آدم را) بقتل میرسانم. پس در نهایت شیطان به جسم مبارک حضرت آدم (ع) تف انداخت و تف شیطان در حصه ناف حضرت آدم (ع) افتاد. بعد از آن خداوند (ج) به جبرئیل (ع) حکم داد که از این بخش جسم مبارک حضرت آدم (ع)، خاک را بیرون کند و جبرئیل امین به حکم خداوند (ج)، تف را با خاک یکجا، از جسم مبارک آدم (ع) دور ساخت و در نهایت خداوند (ج) از آن خاک بیرون کشیده، سگ را پیداکرد و روی همین دلیل است که در سگ سه خصلت موجود است:

- 1- با انسان، انس دارد؛
  - 2- از طرف شب بیدار است و بخواب نمیرود؛
  - 3- انسان را میگیرد (چک میزند)؛
- شرح این سه خصلت بالا: با انسان بدین خاطر انس دارد که از خاک حضرت آدم (ع) تیار شده است؛ از طرف شب بیدار لحاظ بیدار و زیاده در خواب است با این دلیل که دست حضرت جبرئیل در آن خاک خورده؛ انسان را نمیگیرد، باین خاطر است که در همان خاک تف دهان شیطان یکجا شده بود؛

### حکایت دوم

هنگامی که خداوند عالم به فرشته ها حکم فرمودند تا سرهای خود را بگونه ادای احترام به پیشگاه حضرت آدم (ع) خم کرده و آنحضرت را سجده کنند که در نهایت فرشتگان پس از شنیدن این فرمان الهی، سر به سجده به پیشگاه آدم (ع) بینک و پیشانی فرود آوردند، اما شیطان از تحقق عملی فرمان الهی استکبار ورزیده به پیشگاه حضرت آدم سر به سجده فرود نیاورد، در حالیکه کافه فرشتگان در حالت ادای سجده متابعت احترام آمیز بودند، شیطان پشت خود بطرف آدم (ع) دور کرده و با برگشتاندن روی خویش از روی حضرت آدم (ع) ایستاد ماند. هنگامی که فرشتگان از سجده سر بلند کردند، دیدند که شیطان با تکبر ایستاده است و سجده نمیکند و فرشتگان برعکس این عمل شیطان از ادای سجده خویش مطابق حکم صادره خداوند عالم شکرگزاری بجا آورده و دوباره به پیشگاه حضرت آدم (ع) مرتبه دوم سر به سجده نهادند که سجده فرشتگان به پیشگاه حضرت آدم (ع) دوبار صورت گرفت.

### حکایت سوم

آن هنگامی که به حکم خداوند عالم تمامی فرشتگان به پیشگاه حضرت آدم (ع) سجده کردند و اما شیطان سجده بجا نیاورد، پس از آن خداوند متعال از شیطان پرسش کرد که با خود حکم الله تعالی، چرا شیطان بحضورگاه حضرت آدم (ع) سجده را بجا نیاورد، در مقابل شیطان چنین پاسخ ارائه داشت:

"اناخیر منه خلقتی من نار و خلقته من طین"

ترجمه: " من از آدم (ع) بهتر هستم، تو مرا از آتش پیداکردی و آدم را، از خاک" و چون آتش یک چیز لطیف و نورانی و اما در مقابل آن جسم خاکی یک چیز آلوده با کثافت است، پس آیاتش به پیش خاک، چیز لطیف به پیشگاه یک چیز کثیف چگونه و چرا خم میشد. در نهایت خداوند (ج) خطاب به شیطان فرمود! آی رانده شده! از اینجا خارج شو! چی حق داری که در اینجا با دماغ، غرور و پرروئی ایستاده هستی؟